

## رابرت براکوار - انور کیسریف<sup>۱</sup>

داغستان یک جامعه به واقع باثبات را تجربه نموده است، احتمالاً تبات داغستان بحرانهای محلی، زودگذر و کوتاه را از سر خواهد گذراند. با وجود آن که این بحرانها ممکن است برای حمل و نقل انرژی مشکلات متناوب فراهم نماید ولی تسهیلات هیدروکربوری داغستان کانون توجه ترانس نفت بوده و دارای اهمیت بیشتری خواهد شد. مسیرهای حمل و نقل داغستان امکان دسترسی آسان و مطمئن با خطری کمتر از دیگر مسیرها در منطقه بوده و داغستان در آینده در زمینه صنعت ترقی خواهد نمود. این مقاله ضمن بررسی نظام سیاسی - نژادی داغستان و مطالعه بحرانهای مرزی تهدیدهایی که برای این جمهوری ساحلی در دریای خزر وجود دارد را شمرده در رابطه با همسایه اش (چچن) ابعاد آن را کنکاش می نماید.

داغستان، بزرگترین جمهوری خودمختار قفقاز شمالی واقع در فدراسیون روسیه (ساحل غربی دریای خزر) است. داغستان با جمهوری آذربایجان، گرجستان، چچن و ناحیه استاوروپل روسیه همسایه است. مشخصه ویژه داغستان نسبت به همسایگانش در منطقه، تبات سیاسی حاکم بر آن می باشد؛ چراکه از بحرانهای محلی و نزاعهای مرزی دور بوده است. نظر به ویژگیهای داغستان به واسطه تنوع نژادی و محرومیت اقتصادی این تبات به ویژه جالب توجه است.

توسعه اقتصادی داغستان که اخیراً نشانههای آن دیده می شود مرهون گذشته تبات سیاسی داغستان، زمینه مناسب و استعداد فراوان کشاورزی، وجود شهر بندری دریای خزر (ماخاچ قلعه<sup>۲</sup>) به عنوان مرکز جمهوری، نیروی کاری بسیار ماهر و شدیداً

۱. Robert Bruce Ware از محققان دانشکده مطالعات فلسفی دانشگاه ایلی نویز جنوبی و Enver Kisriev استاد جامعه‌شناسی مرکز علمی داغستان در آکادمی علوم روسیه می باشند. این مقاله از نشریه *Central Asian Survey*، شماره ۲۱، سال ۲۰۰۲ توسط آقای قاسم ملکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

بیکار و موقعیتش در مسیر تجارت در غرب دریای خزر (برخوردار از جاده، راه آهن و اسکله) می باشد. به واسطه موقعیت داغستان، ثبات مربوطه و توسعه زیربنایی اخیر، داغستان تمایل دارد که یک نقش فزاینده در حمل و نقل منطقه ای هیدروکربن ها ایفا نماید.

توسعه اقتصادی داغستان به جهت افزایش جرم و جنایت در داغستان، شرایط اجتماعی سخت و جنگ و بی ثباتی در جمهوری های همسایه متوقف شده است. قابل توجه آن که، جنگ دوم چچن، داغستان را به مسکو نزدیک تر کرد و پیشرفت هایی کوتاه مدت را در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی فراهم نمود. هنوز رابطه جدید داغستان با مسکو، همراه با گرایش های سیاسی داخلی، از احتمال بروز تنش هایی جدید نسبت به ثبات بلندمدت در داغستان خبر می دهد.

### نظام سیاسی - نژادی داغستان

جمعیت داغستان ( ۲/۱۴۳/۰۰۰ نفر) شامل ۳۴ گروه نژادی - زبانی با ریشه قفقازی یا ترکی می باشد. گروه های اصلی شامل آوارها (۲۸ درصد)، دارگین ها (۱۶ درصد)، کومیک ها<sup>۱</sup> (۱۲/۵ درصد)، لزگین ها<sup>۲</sup> (۱۲/۵ درصد)، روس ها (۷ درصد)، لک ها<sup>۳</sup> (۵ درصد)، چچن - آخین ها<sup>۴</sup> (۴/۵ درصد)، تاباساران ها<sup>۵</sup> (۴/۵ درصد)، آذری ها (۴/۲ درصد)، نوگای ها<sup>۶</sup> (۱/۶ درصد)، روتول ها<sup>۷</sup> (۰/۸ درصد)، تاتها و دیگر یهودیان (۰/۸ درصد)، آگول ها<sup>۸</sup> (۰/۷۵ درصد)، تساخورها<sup>۹</sup> (۰/۳ درصد) می باشند.

چون هیچ گروهی اکثریت را شامل نمی گردد هیچ کدام قادر به اعمال اقتدار سیاسی نیستند. به لحاظ دنباله روی از قدرت، نخبگان تمامی گروه های نژادی به طور دائم جهت تغییر دسته ائتلاف ها با یکدیگر در فشارند. در این راستا، نخبگان گروه های کوچکتر به مثابه

1. Kumyks

3. Laks

5. Tabasarans

7. Rutuls

9. Tsakhurs

2. Lezgins

4. Chechen - Akhins

6. Nogais

8. Aguls

الکترونهاي سرگردانی از میثاق‌های موقت با نخبگان چهارگروه بزرگ محسوب می‌گردند. هرگاه یک گروه سیاسی به موقعیتی از نفوذ و سلطهٔ سیاسی دسترسی پیدا کرده است این اتحادهای سیاسی برای خنثی کردن آن و ایجاد توازن تغییر جهت داده‌اند. در حالی که رقابت بین قفقازی‌های کوه‌نشین و ترک‌های ساکن نواحی پست و ساحل‌نشین مطرح است و در زمانی که رقابت فزاینده‌ای بین رهبران دارگین و آوار در جریان می‌باشد این فضا از طریق بردباری و رعایت سنت «سازش نژادی»<sup>۱</sup> تسکین پیدا نموده است؛ در نتیجه در محیطی انعطاف‌پذیر و بسیار قابل تغییر، فرهنگ سیاسی زمینه‌ای مساعد برای ظرفیت مناسب توسعهٔ اقتصادی فراهم می‌آورد.

این سنت‌های سازش نژادی و توازن سیاسی در یک نظام منحصر به فرد نهادهای سیاسی منعکس شد که داغستان در سال ۱۹۹۴ آن را بنا نهاد. مردم داغستان سه بار طی همه‌پرسی عمومی نوعی ویژه از نظام ریاست جمهوری را رد کرده‌اند از ترس آن که مبادا در آن حالت، قدرت بسیار در دست‌های یک فرد به خصوص برای اعمال جنبه‌های برتری نژادی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. به جای آن، مردم داغستان یک هیأت اجرایی با عنوان «شورای دولت ۲» بنیاد کردند که ترکیب آن شامل چهارده نماینده از چهارده گروه اصلی نژادی می‌باشد.

با این که کابینهٔ وزرا<sup>۳</sup> فرمانبردار و تابع قدرت اجرایی است ولی از نظر سازمانی مجزا می‌باشد. وزرا نسبت به ریاست «شورای دولت» مسئول بوده اما نسبت به مجموعهٔ «شورای دولت» پاسخگو نیستند. بنابراین، ریاست «شورای دولت»، قدرتمندترین مقام در داغستان است. رئیس الوزرا یا نخست‌وزیر، هم‌زمان یکی از دو معاون ریاست «شورای دولت» نیز محسوب می‌گردد. بنابر قرارداد، بالاترین فرد اداری در هر شعبهٔ حکومت از میان افراد گروه‌های مختلف نژادی انتخاب می‌گردند.

اعضای «شورای دولت» به‌طور مستقیم انتخاب نمی‌گردند؛ اما از طریق مجلس مؤسسان

1. Ethnic Accommodation

2. The State council (*Gos Sovet*)

3. The Cabinet of Ministries (*Sovet Ministrov*)

داغستان طی دو مرحله که تمایل دارد نمایندگان نژادی دارای حق استیناف باشند انتخاب می‌گردند. این ترکیب ملایم و معتدل، افراطی‌های نژادی را به‌طور موفقیت‌آمیز حذف نموده است. عضویت در مجلس مؤسسان ۲۴۲ نفره داغستان براساس کسب نمایندگی در مجلس مردمی ۱۲۱ نفره داغستان است.

نمایندگان مجلس مردمی<sup>۱</sup> و نمایندگان شوراهای محلی از طریق یک نظام انتخاباتی نژادی انتخاب شده‌اند. نظام انتخاباتی داغستان به منظور اجتناب از به حاشیه راندن یک گروه نژادی و تضمین نمایندگی تمامی ملیت‌ها به نسبت تعدادشان طرح گردیده است. کمیسیون انتخاباتی این قدرت را داراست که مسندهایی را به اعضای یک گروه نژادی محروم اختصاص دهد. تعداد ۶۵ بخش با جمعیت چندملیتی از ۱۲۱ بخش (دارای یک نماینده) که اعضای مجلس از آنها انتخاب شده‌اند از طرف کمیسیون انتخاباتی به عنوان «بخش‌های ملی انتخاباتی»<sup>۲</sup> تخصیص یافته‌اند. (برای مثال، یک بخش مربوط به آوارها، یک بخش لرزگین‌نشین). در این بخش‌ها فقط نامزدهای یک ملیت قبلاً تعیین شده می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند لذا رأی‌دهندگان دیگر گروه‌های نژادی می‌توانند از میان نامزدهای یک نژاد در آن بخش معین فردی را انتخاب کنند. این امر به منظور اجتناب از مواجهه نژادهای گوناگون طی انتخابات و دستیابی به تناسب و تقارن نژادی انجام گردیده است. هنگامی که تمامی نامزدها در هر بخش اعضای یک گروه نژادی باشند مسایل نژادی کم‌اهمیت بوده و رأی‌دهندگان قادرند بر کیفیت‌های حرفه‌ای و ویژگی‌های شخصیتی تمرکز نمایند.

بعضی گروه‌های نژادی (از قبیل کومیک‌ها، آذری‌ها، روس‌ها، چچن‌ها و تات‌ها) تماماً در مناطق چندنژادی<sup>۳</sup> یا در شهرهای چندنژادی داغستان زندگی می‌کنند. دیگر گروه‌های نژادی (شامل آوارها، لک‌ها و لرزگین‌ها) از ابتدا در مناطق تک‌نژادی<sup>۴</sup> ساکن شدند. برای مثال، ۲۱ نماینده آوار که از بخش‌های مشخص آوارنشین نیستند از بخش‌هایی می‌باشند که اکثریت آنها

1. *Narodnoe Sobranie*

2. National Electoral Districts

3. Multi - Ethnic

4. Mono - Ethnic

آوار هستند. پس از تعیین ۶۵ بخش انتخاباتی مشخص شده، بیشتر ۵۶ بخش انتخاباتی باقی مانده در مناطق کوهستانی قرار دارند که جمعیت آنها وسیعاً تک‌نژادی می‌باشند. در نتیجه این ترتیب و نظم دقیق، هریک از چهارده گروه نژادی مهم داغستان (در سال ۱۹۹۵ و نیز در سال ۱۹۹۹) در مجلس که تقریباً در مجموع متناسب با جمعیت نژادهای گوناگون است دارای نماینده هستند.

انتخابات محلی داغستان وقایع مکرر از خرید رأی را شاهد است. نامزدهای انتخاباتی اغلب، توسعه مدنی را برای یک دهکده به منظور انتخاب شدن فراهم می‌آورند. در حالی که این مشاجرات و رقابتها، بی‌نظمی‌های مهم توصیف شده‌اند تقلب‌های انتخاباتی در انتخابات فدرال داغستان امری رایج می‌باشد.

تقلب و تحریف رأی‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیری مورد توجه گروههای قدرتمند در مسکو است و این گروهها کارکنان رسمی داغستانی را جهت اهداف افزایش اعانات مالی فدرال به منظور تداوم وابستگی‌های اقتصادی داغستانی سازماندهی می‌کنند.

نظام سیاسی داغستان بر مبنای ساختارهای غیرعادی بنا شده که ما آن را «چند نژادی»<sup>۱</sup> یا جاماتز<sup>۲</sup> می‌نامیم. یک جاماتز دهکده‌ای یا مجموعه دهکده‌هایی از نظر تاریخی مرتبط که سه تا ده قبیله را تحت نام تاهومز<sup>۳</sup> شامل می‌گردد. نظام‌های «چندنژادی» بیشترین نیرنگ‌های احزاب سیاسی سنتی را معمول می‌دارند، آنها در زیر سلطه یک گروه از فعالان و یک رهبر قوی (از یک گروه نژادی) می‌باشند و بنابراین نظام‌های «چندنژادی» در واقع یک نژادی هستند، شهرهای نژادی بزرگتر، جمعیت چندین نژاد مختلف را شامل می‌گردند.

گروههای مختلف نژادی ممکن است در یک ردیف قرار گیرند یا با نظام «چندنژادی» از گروههای نژادی دیگر در ترکیب‌هایی که به طور دائم برای خنثی نمودن یکدیگر عمل می‌کنند واقع شوند؛ و از این طریق، ثبات و انعطاف با نظام سیاسی عجین می‌گردد. این خرد شدن

1. Ethnopolities

2. Djamaats

3. Tuhums

سیاست داغستان بدان معنی است که بحرانهای داخلی کم‌کم به صورت تهدیدهای وسیع‌تر بروز می‌کنند و برجستگی‌های سیاسی را ایجاد می‌کنند و برای مردم داغستان جهت یافتن راه‌حل‌های مؤثر برای مشکلات اصلی گرفتاری به‌وجود می‌آورند (از قبیل آنها که در مورد موقعیت همسایگی جمهوری آذربایجان و چین به‌ویژه طی سالهای ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰ تحریک کردند).

### بحرانهای مرزی

روابط داغستان با جمهوری آذربایجان با طرح سه خصوصیت معماگونه مشخص می‌گردد: الف) تنش‌های موجود در مرزهای بین‌المللی دو همسایه؛ ب) نتایج محرومیت‌های لرزگین‌ها در دو طرف مرز؛ ج) نفوذ رهبری آذری بر کارکنان اداری داغستان به‌ویژه با توجه به مجادلات در داغستان جنوبی.

تعداد ۲۵۰۰۰۰ لرزگی در داغستان و ۱۷۷۰۰۰ لرزگی در جمهوری آذربایجان (جنوب مرزی که اکنون فامیل‌ها، دوستان و مناسبات تجاری را جدا می‌نماید) ساکن هستند. با توجه به ماهیت سیاست داغستان و فرهنگ لرزگین‌ها، این شرایط یک تهدید جدی برای ثبات داغستان محسوب نمی‌گردد. داغستان در جهت خنثی‌سازی قابل توجه بعضی فعالیت‌ها، ائتلاف سیاسی و فعالیتهای جنایی به‌منظور محدود نمودن عملیات سازمان یافته قاچاق اقداماتی انجام داده است. این مشکلات احتمالاً افزایش می‌یابند. لرزگین‌ها در جمهوری آذربایجان با فشارهای ناشی از ملی‌گرایی و طرفداران سازش و توافق نژادهای گوناگون روبرو بوده که در محدود نمودن فعالیت تروریستی موفق بوده است. در شرایط کنونی این فعالیت احتمالاً افزایش نخواهد یافت؛ اما ممکن است در پاسخ به هرگونه بی‌ثباتی در آذربایجان عملی گردد.

بعضی از افراد داغستان شکیبایی خود را از دست داده‌اند و وقتی تفاوت کارمندان داغستانی را نسبت به رهبری آذری‌ها ملاحظه می‌کنند. برای مثال، ۹۰ درصد آبی که در

رودخانه سمور<sup>۱</sup> جریان دارد حاصل آب شدن برفهای قتل جنوبی داغستان است؛ هنوز ۸۰ درصد آبهای داغستان از طریق کانال باکو - آپشرون به آذربایجان منتقل می‌گردد. این آب، شهرهای باکو و سومگاییت<sup>۲</sup> و مهمترین مراکز صنعتی جمهوری آذربایجان را سیراب می‌سازد. در این حال، مردمان داغستان که در مناطق همجوار رودخانه زندگی می‌کنند اغلب فاقد آب برای آبیاری می‌باشند که منجر به نزاعهای روستایی بیشمار می‌گردد. از آنجا که سیستم توزیع آب وسیعاً یک بنیاد و ترکیب داغستانی دارد و تمامی آب تقریباً از طرف آذربایجان کنترل می‌شود به واسطه روابط تیره جمهوری آذربایجان و روسیه وضعیتی پیچیده و در عین حال آکنده از بندوبست و سازش ایجاد می‌گردد.

تنش‌ها در مرز داغستان با جمهوری آذربایجان در مقایسه با مشکلات در چین از خود رنگ می‌بازند؛ طی جنگ اول چین (۱۹۹۶-۱۹۹۴) مردم داغستان ترجیح دادند بخشی از روسیه باقی بمانند بدون آنکه پیوندهای نزدیک خود را با مردم چین فراموش کنند. داغستان ۱۳۰۰۰۰ آواره چینی را (اغلب در خانه‌های خود و به‌طور مکرر وقتی که روسیه از خاک داغستان به چین حمله می‌کرد) پذیرفت.

پس از تهاجم روسیه در ۱۹۹۶ به چین، نبود نظم و قانون در چین به‌طور فزاینده‌ای وضعیت مرز چین داغستان را متشنج کرد. فعالیتهای جنایی به اشکال مختلف صورت پذیرفتند از جمله سرقت اموال (به‌ویژه احشام و اتومبیل) و قاچاق دارو و اسلحه. این خلافکاری‌ها همچنین شامل فروش فلزات غیر آهنی خارج شده از صنایع زیربنایی شوروی همراه با بنزین سرقت شده از ایستگاه چین خط لوله باکو - نوروسیسک (که مراحمی را در پالایشگاههای چین می‌گذراند) می‌شد. بدترین شکل فعالیت جنایی، گروگانگیری توسط چین‌ها بود که طی آن صدها داغستانی و نیز شماری افراد خارجی و روسی دستخوش گروگانگیری شدند. ماجراهای جنایی اغلب از طرف عوامل مخالفان سیاسی در چین و داغستان

1. Samur

2. Sumgait

پشتیبانی شدند؛ اما وقتی مقامات رسمی داغستان همکاری با همفکران چپنی خود علیه این جبهه مخالفان را شروع کردند مشروعیت هر دو رژیم لطمه دید.

عناصر جبهه مخالفان در دو جمهوری طرفداران وهابیت<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهند؛ مکتبی از بنیادگرایی اسلامی که خلیج فارس تا تاجیکستان و تمامی شوروی سابق را فرا گرفته است. وهابیت در اوایل دهه ۱۹۹۰ در داغستان رواج یافت و از آنجا به چچن نشر پیدا نمود و این امر با حمایت مالی بسیار از طرف سازمانها و اشخاص در خلیج فارس و افغانستان عملی گشت.

رواج سریع وهابیت نیز عکس‌العملی در مقابل فشار مدرنیزه شدن، پیامدهای گذار سیاسی و اقتصادی و افزایش فساد سیاسی و تباهی اخلاقی بود. همچنین، گرایش بیشتر به گروههای نژادی با ریشه شرقی داغستان (آوارها، دارگین‌ها، چچن - آخین‌ها) دیده می‌شد و گرایش کمتر نسبت به گروههای نژادی با ریشه غربی (لک‌ها، لژگین‌ها و روس‌ها) وجود دارد. اگرچه وهابیت بین روشنفکران داغستانی جاذبه دارد ولی بیشتر از طرف جوانان و نیز آنهاکه در تپه‌های مرکزی داغستان و کوهستان‌های غربی زندگی می‌کنند مورد حمایت واقع شد؛ در واقع از طرف کسانی که یکدیگر را از نظر اقتصادی و سیاسی «در حاشیه گذاشته شده»<sup>۲</sup> یافتند. بعضی از این افراد به اردوگاههای آموزش نظامی در مرز چچن که به وسیله کمکهای مالی خارجی تغذیه می‌شوند هدایت می‌گردند.

حدود ۳ درصد جمعیت داغستان خود را وهابی معرفی می‌نمایند. در یک رأی‌گیری از ۱۰۰۱ داغستانی که در مارس و آوریل ۲۰۰۰ انجام گشت ۱۱/۴ درصد اعتقاد داشتند وهابی‌ها مسلمانانی غیرافراطی هستند در حالی که ۸۷/۱ درصد عقیده داشتند وهابی‌ها افراطی‌هایی با وجهه مذهبی هستند. قابل تعجب نیست که این حرکت بنیادگرا سخت مورد مخالفت مسلمانان سنتی داغستان قرار گرفت. وهابیان باریش‌های بلند، زنان محجبه، عدم تبعیت و پذیرش قدرت حکومتی و روشهای ساده‌زیستی مشخص می‌گردند ولی تبلیغ مذهبی مجاهدانه مذهب وهابی

1. Wahhabism

2. Marginalized



با این ویژگی‌ها به عنوان مفهوم و مفادی ناسازگار با منش زندگی آزاد قفقازی‌های شمالی تلقی گردید. بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ یک رشته برخوردهای خشونت‌آمیز در دهکده‌هایی که وهابی‌ها ساکن بودند بروز کرد.

طی این سالها، افراط‌گرایی مذهبی به واسطه افزایش نرخ بیکاری که به ۸۰ درصد رسیده بود تقویت گردید. حقوق‌ها، حقوق مستمری‌بگیران و دیگر مقرری‌ها عموماً به صورت دیون معوقه بودند. نیازمندترین داغستانی‌ها سیزده بار فقیرتر از ثروتمندترین همسایگانشان بودند که دارای بازترین اقتصاد متفاوت از دیگر جمهوری‌های فدراسیون روسیه می‌باشند. عموم داغستانی‌ها پنج بار فقیرتر از خانواده‌های متوسط روسیه و هشت بار فقیرتر از خانواده‌های ساکن مسکو هستند؛ جالب این‌که ثبات سیاسی داغستان این فشارها را نیز متحمل شد.

داغستان دو بار (اوت و سپتامبر ۱۹۹۹) مورد تهاجم نظامیان مستقر در چچن قرار گرفت. در اولین تهاجم، تقریباً ۵۰ درصد شورشیان از وهابیون داغستانی و ۵۰ درصد بقیه از جنگجویان چچنی و جهان اسلام بودند. در دومین تجاوز، اکثریت عظیم تهاجم‌کنندگان چچنی بودند. اهالی داغستان با میلیشیای شهری و تقاضای کمک از مسکو برای حمایت نظامی در مقابل این حملات مقاومت نمودند. این جنگ‌ها منجر به جابجایی ۳۲۰۰۰ داغستانی شد و به‌طور فاجعه‌آمیزی پیوند بین مسکو و مخاصم قلعه تقویت شد.

برای داغستان، راه‌حل موفقیت‌آمیز بحران انضباطی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به‌دنبال داشت. مجموع حمایت اقتصادی فدراسیون روسیه از جمهوری داغستان در سال ۲۰۰۰ بیش از ۶ برابر سال ۱۹۹۹ بود. پرداخت حقوق کارکنان، مستمری‌ها و دیگر مقرری‌ها شدیداً افزایش یافتند. مرز با چچن شدیداً کنترل شد که منجر به کاهش شدید فعالیت جنایی به‌طور عام و گروگانگیری به‌طور خاص گشت. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۹، وهابیت در داغستان شدیداً از طرف عوامل قانونی و مادی بسیار تحت فشار قرار گرفت یعنی همان روزی که تصویب قانونی مجلس مردمی داغستان عملی گشت. در تلاشی دیگر برای کنترل بیشتر افراط‌گرایی مذهبی،

مجلس مردمی یک نقش شبه‌حکومتی را به هیأت امنای روحانی مسلمانان داغستان<sup>۱</sup> اعطانمود. این یک اشتباه جدی بود چرا که وهابیون طی سالهایی که امتیازهایی کسب کرده بودند جهت به‌دست آوردن آن (سیاسی کردن اسلام در داغستان) شکست خورده بودند. از آنجا که هیأت امنای روحانی مسلمانان داغستان (DUMD) قبلاً یک نیروی ملایم، معتدل و وحدت‌بخش بین مسلمانان (۹۰ درصد جمعیت داغستان) بود تشکیلات این هیأت جدیداً فقط از طرف آوارهای ناحیه گومبتوسکی<sup>۲</sup> تشکیل می‌شود؛ کسانی که امور و فعالیت سازمان را دقیقاً بر یک برنامه کار سیاسی آوار متمرکز کرده‌اند.

علاوه بر این، در حالی که وهابیت از طرف اکثریت مردم رد شده ولی کاملاً این ایده محو نشده است. با این که بیشتر رهبران وهابیت دستگیر یا مخفی شده‌اند احتمالاً به عنوان یک امر اضطراری در مقیاس کوچک و تدریجی ممکن است ثبات بلندمدت را تهدید نماید. اگر ثبات نه‌آینده ادامه یابد و توسعه اقتصادی مستمر باشد احتمالاً وهابیت در آینده نفوذ زیادی در داغستان نخواهد داشت. سست شدن در این بخش‌ها به معنای ظهور و رشد مجدد وهابیت خواهد بود. احتمالاً در هر شرایطی، روی آوری به وهابیت یک اقلیت متجاوز، خشن و غیور را حجیم نمی‌کند.

### چشم‌انداز امنیت

دیگر تهدیدات بلندمدت نسبت به ثبات داغستان ناشی از فضای جنگ پیشین است. مسکو به دنبال اجرای برنامه‌ای جهت تمرکز دوباره امور و ایجاد هفت منطقه فدرال می‌باشد. در حالی که این ساختارهای سیاسی وکالت و اختیاری وسیع کسب می‌کنند و بدان وسیله قدرت واحدهای مؤسس فدرال را محدود می‌نمایند. این ساختار اجرایی متمرکز به موازات فعالیت نهادهای سیاسی محلی و منطقه‌ای حضور و فعالیت دارند که جانشینی تدریجی شکل قبل را

1. The Spiritual Board of the Muslims of Dagestan (DUMD).

2. Gumbetovsky

برای آینده پیشنهاد می‌کند. در داغستان، حضور غیرقابل انتظار این ساختار سیاسی جدید احتمالاً توازن قدرت بین گروه‌های رقیب را تغییر می‌دهد.

در چنین برنامه تمرکزگرای دوباره، مسکو مقرر داشته است که نهادهای داغستانی می‌بایست با الزامها و شرایط قانون اساسی فدرال هماهنگ باشند. این امر به تغییر و تبدیل زمینه‌های گوناگون تشکیلات داغستان منجر شده که بدین ترتیب به‌طور وحشتناک بخشهای نژادی انتخاباتی داغستان را در جهت حذف شدن تهدید می‌نماید که براساس آن سیستم انتخاباتی داغستان حضور و فعالیت متناسب همه نژادها را عملی ساخته است. حمایت عمومی فعلی از رئیس جمهور پوتین آثار تزلزل کوتاه‌مدت در مورد تمرکزگرای دوباره نهادهای داغستان را کاهش می‌دهد. همانگونه که تمرکزگرای دوباره نهادهای داغستانی را جرح و تعدیل می‌نماید؛ این امر چالش‌های بلندمدت (برای نظامی که ثبات سیاسی داغستان را فراهم کرده) را افزایش داده و ممکن است مبارزه بین مسئولان عالی جهت اشغال مقام بی‌متصدی در رأس جمهوری را تشدید نماید.

ریاست SC به عهده «ماگومدالی ماگومدوف»<sup>۱</sup> دارگین نژاد ۷۰ ساله است که دوره دومش در سال ۲۰۰۲ به پایان رسید. چندین شخصیت در موفقیت وی سهیم بوده‌اند. جانشینان احتمالی ماگومدوف عبارتند از: نخست‌وزیر کومیک نژاد (هیزری شیخ سعیداف)<sup>۲</sup>، شهردار دارگین نژاد مخاچ قلعه (سعید امیروف)<sup>۳</sup> و دو نماینده آوار نژاد داغستان در دومای دولتی (قاضی مخاچف و قاضی مراد عمروف)<sup>۴</sup>. افزایش رقابت برای عالیترین مقام بین این افراد و دیگر اشخاص در زمانی رخ می‌دهد که کنترل جمع‌نخبگان سیاسی داغستان به‌سرعت محدود می‌گردد. طی سالهای اخیر، به‌ویژه از سال ۱۹۹۸، قدرت در دست شمار کمی از افراد بود. سه سال قبل تقریباً ۲۰۰ خانواده در داغستان فعالانه در روابط سیاسی دخالت نمودند. اکنون داغستان

1. Magomedali Magomedov

2. Hizri Shikhsaidov

3. Said Amirov

4. Gadji Makhachev and Gadjimurad Omarov

تحت تسلط ۶ تا ۱۲ خانواده است. کوچکی محفل بازیگران مهم سیاسی به انزوای بیشتر از بقیه نخبگان سیاسی محلی منجر می‌گردد و باعث تنش عمیق و سوءظن نسبت به آنان می‌شود. آن نخبگان سیاسی که خارج از این جمع کوچک قدرت می‌باشند خود را در موقعیت‌های غیرقابل اطمینان و بعضی از اوقات رقابت بسیار سخت با یکدیگر می‌یابند که هر یک به دنبال یک حامی از بین جمع محدود حاکمان ثروتمندی که قدرت خود را حفظ کرده‌اند می‌باشند.

به واسطه رقابت، جرگه محدود نخبگان داغستان احتمالاً به فعالیتهای «تروریستی» بیشتر از جمله انفجار و اقداماتی جهت ترور مسئولان سیاسی روی می‌آورد. پس از چچن، داغستان فدراسیون روسیه را به استقبال از چنین حوادثی سوق می‌دهد. در داغستان، انگیزه‌ها و اغراض برای اینگونه اقدامات با چچن متفاوت است؛ برای آن موضوع، در بسیاری از نقاط دیگر نیز تفاوت دارد. معمولاً، اعمال تروریستی تقلای یک گروه جهت کسب نفوذ سیاسی می‌باشد. در داغستان، از طرف دیگر، چنین اقداماتی اغلب کار نخبگان سیاسی که هدف دیگر نخبگان هستند می‌باشد و آنها بخشی از روشهای معمول هستند که نخبگان از آن طریق مشاجرات خود را با یکدیگر تصفیه می‌کنند. معمولاً، مردم عادی اهداف آنها به حساب نمی‌آیند و فقط یکی دو گروه رقیب، مردم را مورد حمله قرار می‌دهند. چون به‌طور عادی در داغستان، مردم بخشی از سیاست محسوب می‌گردند چنین اعمالی به‌طور مستقیم باعث بی‌ثباتی نمی‌گردد. با این حال، در سپتامبر ۱۹۹۹ و مارس ۲۰۰۰ وقایع تروریستی رخ دادند که مصیبت‌های بیشمار را باعث شدند و چندین نخبه سیاسی را معدوم نمودند. ممکن است که این اعمال قابل نسبت دادن به وهابی‌ها یا نظامیان چچن باشند و آنها به عنوان یک تهدید بزرگتر برای ثبات طرح گردند. همچنین امکان دارد که چنین گروه‌هایی فعالیتهای خود را بر وسایل و تجهیزات حمل و نقل نفت معطوف سازند.

شبکه‌های جنایی تحت عنوان جماعت<sup>۱</sup> و پیوندهای نژادی یک ویژگی بارز جامعه

داغستان است. مافیای محلی در کانون شبکه خویشاوندی قرار دارند؛ هریک با خصیصه قدرتمندی، جوان و بدون ریشه، رهبری گروهی از حامیان محلی را در دست دارد. گروههای مافیایی که اغلب در پایتخت ابتدا در اشکال گوناگون باجگیری و قلدری شکل می‌گیرند بعداً به واسطه رشته عملیات متنوع می‌گردند که شامل فعالیت‌های تجاری مشروع نیز می‌باشد. در حال حاضر، شمال قفقاز به جهت جنایت‌های خشونت‌آمیز، بالاترین نرخ را در فدراسیون روسیه دارا می‌باشد.

برای سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۳، جنایت در داغستان به‌طور مداوم در حال کاهش بوده است. این روند در بعضی مناطق ادامه یافت. با این حال، طی دو سال گذشته میزان ارتکاب جرم و جنایت در داغستان افزایش پیدا نموده است. در سالهای اخیر در جنایات اقتصادی به واسطه فشارهای حاصل از گذر اقتصادی و رشد عملیات جنایی سازمان یافته افزایش دیده می‌شود. رشوه‌خواری و کلاهبرداری از مصرف‌کننده بسیار رایج و شایع شده است. بسیاری از اشکال جنایات کوچک (بزهکاری‌ها) در حال کاهش هستند. این واقعیت که ۶۰ درصد جنایات توسط افراد با درآمد نامنظم صورت می‌گیرد دلالت بر این امر دارد که افزایش جنایات اقتصادی با رشد بیکاری گره خورده است. کاهش جنایات خیابانی ممکن است گویای استواری روابط اجتماعی بین مردم داغستان در پی بستن مرز با چین باشد. در حالی که میزان جنایات در منطقه مرزی بیشتر می‌باشد تنش کاهش و مطالبات اجتماعی افزایش یافته است.

در این رابطه، آدم‌ربایی و گروگانگیری جهت اخذ پول در سال ۱۹۹۹ نسبت به سال ۱۹۹۵، ۳۱۰ درصد رشد داشته است (قبل از این که مسکو منطقه را رها سازد). بیشتر آدم‌ربایی‌ها در سال ۱۹۹۹ در اوایل سال رخ داد. قبل از این که عملیات نظامی مرز با چین را مسدود نماید. آدم‌ربایی در سال ۲۰۰۰ تنزل پیدا کرد.

عملیات نظامی اثری مثبت بر کاهش فعالیت‌های جنایی داشت. سربازان روسی آن دسته شورشیان چچنی که در دزدی نفت و قاچاق آن به داغستان (جایی که برای فروش عرضه می‌کردند) شرکت داشتند را نابود کردند.

این واقعیت که آن سربازان که از جنگ بهره می‌برند احتمالاً دلیلی برای کمک به تداوم جنگ نیز دارند. در جای خود، تداوم جنگ احتمالاً سهمیم بودن در گسترش فساد و جنایت هم‌هست. نفت دزدی شده علت ایجاد یک جریان سریع و غیرعادی برق در چندین ایستگاه‌گاز در مخاچ‌قلعه شد. شهردار امیروف اظهار می‌دارد که ایستگاه‌ها بیشتر از نیاز جمعیت است و در تلاش برای بستن بعضی از آنها هستیم. خیابانهای مخاچ‌قلعه انبوه اتومبیل‌ها را دربر دارند و ایستگاههای قدیمی نزدیک مرکز شهر می‌توانند برای یک تجارت زنده و با رونق به کار روند. در نواحی بیرونی شهر مخاچ‌قلعه، ایستگاههای جدیدالاحداث، آزاد، تمیز و با مشتری‌های کم ایجاد گشته‌اند. استعمال مواد مخدر و جنایات مربوط به مواد مخدر نه تنها در رابطه با دلایل آشکار بالا می‌باشد بلکه به لحاظ رابطه‌ی عرضه و تقاضای مواد مخدر با وهابیت نیز مطرح است. به موازات وهابیت، مواد مخدر دومین واردات از آسیای مرکزی می‌باشد که در داغستان عموماً مهلک نگریسته می‌شود. وهابیت و مواد مخدر که در ارائه‌ی روشهای زندگی با یکدیگر متضاد می‌باشند بعضی اوقات هردو از طرف نیروهای یکسان در آسیای مرکزی تدارک ارائه می‌گردند و نیز جوانان قفقازی که به لحاظ از خود بیگانگی<sup>۱</sup>، یأس و پوچ‌گرایی رنج می‌برند جذب وهابیت و مواد مخدر می‌گردند. بنیادگرایان اسلامی در آسیای مرکزی مسئول بخشی از عرضه قاچاق مواد مخدر می‌باشند و بنیادگرایان اسلامی در قفقاز و به‌طور مشخص چچن مسئول برای بخشی از توزیع آن هستند. با این حال، گسترش مواد مخدر و جنایات مربوط به مواد مخدر در یک جامعه سنتاً اسلامی چون داغستان، به بنیادگرایی واقعی و خالص به عنوان یک عکس‌العمل در مقابل فساد اجتماعی و نزول معنوی انگیزه‌های بیشتری می‌دهد. استعمال مواد مخدر به گسترش وهابیت در منطقه کمک می‌نماید.

### توسعه از منظر آینده

به لحاظ نقش داغستان در بحران جاری چچن، داغستان همچنان به دریافت کمک مالی بسیار از مرکز ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۰۰، داغستان ۶۱۶۵۷۱۶۰۵/۰۰۰ روبل از بودجه

فدرال استفاده کرد که با ۱/۰۰۰/۸۰۰/۰۰۰ روبل کمک در سال ۱۹۹۹ کاملاً تفاوت داشت و افزایش بسیاری را نشان می‌داد. از کمک مالی ۶/۷ میلیارد روبلی مربوط به سال ۲۰۰۰، مبلغ ۴/۲۵۸/۰۰۰/۰۰۰ روبل به‌طور مستقیم واگذار شده و ۲ میلیارد روبل به داغستان به‌عنوان کمک اضافی اختصاص داده شده است. همچنین، بیش از ۳۲۵ میلیون روبل در چارچوب برنامه‌های هماهنگ توسعه اجتماعی و اقتصادی ارائه خواهد گردید که شامل توسعه بندر و فرودگاه مخاچ‌قلعه، برنامه‌های کشاورزی می‌گردند. داغستان حمایت اقتصادی بسیاری از طرف روسیه به اشکال دیگر، از جمله دریافت ۱۷ میلیون روبل از شهر مسکو، را جذب کرده است. دریافت‌های مستقیم از دولت فدرال در سال ۲۰۰۱ به‌دو برابر یعنی تا ۸/۵ میلیارد روبل رسید. صنایع کوچک بسیاری و شماری کارخانه در داغستان به تدریج ایجاد می‌گردند. صنایع شوروی سابق که در داغستان ایجاد شده بودند در حال بازسازی می‌باشند. کشت و زرع‌ها اکنون از طرف نیروی کار ماهر محلی که طی دوره انتقالی بیکار شده بود کرایه می‌شود.

در بخش اقتصاد، شمار سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و متوسط غیرسودده کاهش یافته و سودکارخانجات اقتصادی بسیار افزایش یافته است. در بخش عمومی، توازن درآمد و هزینه‌ها نیز به تعادل رسیده‌اند. جمع‌آوری مالیات از ۱۳ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۱۹ درصد در سال ۱۹۹۹ رسید و وصول مالیات غیرمستقیم ۱۸۰ درصد افزایش داشت. پرداخت نقدی مالیات‌ها نیز از ۳۹ درصد به ۶۳ درصد ترقی نمود.

یک کاهش کوتاه‌مدت در فعالیت سرمایه‌گذاری روبرو به پایان است. به‌رغم هزینه‌های ناشی از نابودی ثروت و اموال طی عملیات نظامی، پرداخت کامل کمک هزینه‌های مالی اجرای چندین پروژه بزرگ توسعه را ممکن ساخته است که شامل یک پروژه اصلی الکتریکی، یک مرکز تلفن، پل‌ها و بزرگراه‌های آسفالت، صدها کیلومتر شبکه گاز و آب، مدارس، بیمارستانها و حدود ۲۹۰۰۰۰ مترمربع مسکن می‌گردد.

نتیجه شرایط مذکور به‌رغم خسارات در جنگ، افزایش بسیار در ایجاد زیربنای اقتصادی می‌باشد. بدون محسوب داشتن اتمام اولین واحد ایستگاه تولید نیروی

هیدروالکتریک ایرگاناسکایا<sup>۱</sup> در پایان سال ۱۹۹۸، سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در سال ۱۹۹۹، ۲۵ درصد افزایش یافت. بخش خصوصی نقش روزافزونی در اقتصاد داغستان ایفا می‌نماید، تحرکات جدید ابراز داشته و در تولید ۸۵ درصد از تولید کشاورزی و صنعتی در سال ۱۹۹۹ سهیم بوده است. تولید کشاورزی داغستان نیز افزایش پیدا کرده در حالی که ما به‌طور کلی شاهد کاهش تولید برای روسیه بودیم. داغستان، با ۱۱ درصد افزایش، یکی از سه منطقه روسیه است که نشانگر یک رشد طبیعی، نه جابجایی، در تولید می‌باشد.

شهردار سعید امیروف در آراستن مخاچ‌قلعه و ارائه تسهیلات جهت خرده‌فروشی و توسعه آن کوشا می‌باشد. طی بهار و تابستان ۲۰۰۱، این تلاش‌ها منجر به تنش‌هایی با تجار بزرگ، تراکم بسیار، ایجاد بازار موقتی در حاشیه غربی مرکز مخاچ‌قلعه به محاذات مسجد جدید (۱۹۹۶) جوما<sup>۲</sup> شده بود. تجار غرفه‌هایی را در اختیار گرفتند، بسیاری از آنها قبلاً در غرفه‌ها و جایگاه‌های بزرگ فلزی مخصوص خرید مستقر بودند. بیشتر این غرفه‌ها دسته‌ای از کالاهای مصرفی، مشروبات و روغن را در حجم بسیار عرضه می‌کنند. مبادلات جزئی و کوچک نیز انجام می‌شود و بازاری جهت این معاملات کوچک و نقدی اختصاص یافته است.

بازرگانان در لباس روستایی و شبه سنتی، همانند دیگران در بازارهای مخاچ‌قلعه، مشاهده می‌گردند. بیشتر آنها از نژاد آواری تsumda<sup>۳</sup> می‌باشند. مردمی که برادران خاچیلیوف<sup>۴</sup> (کسانی که بنیاد نهادن حکومت اصلی داغستان را در مه ۱۹۹۸ رهبری نمودند) را حمایت نمودند. آنها مدتهای طولانی دشمن شهردار امیروف بودند.

از هنگام ناکامی کودتا، امیروف مشغول آراستن شهر مخاچ‌قلعه است. تلاشهای او در ۱۹۹۸ وقتی آغاز گشت که وی تأسیساتی که برادران خاچیلیوف و پیروانشان در معابر عمومی ایجاد نموده بودند (به‌ویژه آنها که اختصاصاً برای خودشان بنا کرده بودند) را با بلدوزر ویران نمود. او سپس غرفه‌های موقتی که در معابر عمومی مخاچ‌قلعه ایجاد شده بودند را ویران کرد. همچنین، او فضای مناسب با کیفیت بالا و با جاذبه جهت خرده‌فروشی بنا نهاد. این کوشش‌ها با

1. Irganajskaya

2. Djuma

3. Tsumda

4. Khachiliev



نوسازی استادیوم مرکزی فوتبال و توسعه یک پارک در کنار یک دریاچه حاشیه جنوبی مخاچ قلعه ادامه یافت. بدیهی است این برنامه‌های نوسازی بسیاری از صاحبان غرفه‌های کوچک را جابجا کرده است؛ کسانی که معیشت آنها به غرفه‌های آنها و دیگر تسهیلات مربوط به غرفه وابسته است.

مدت طولانی است که امیروف دریافتی باید به بازار نزدیک گردد چرا که بازرگانان برای مخالفت با وی متشکل شده بودند. برخوردهای بسیاری صورت گرفت. امیروف به وضوح امیدوار بود از خونریزی پرهیز کند و به بازرگانان مکان دیگری را پیشنهاد کرد. بازرگانان پیشنهاد وی در مورد زمینی دور و پرت را رد کردند. امیروف غرفه داران بهره‌مند از بعضی تسهیلات شهرداری را وادار نمود تا تخفیف‌هایی برای خرید عمده قائل شوند، اما بعضی از فروشندگان شکایت نمودند که تخفیف‌ها با آنها که در بازار بودند قابل مقایسه نبودند. مردم داغستان بحران را تعقیب می‌نمایند و در مورد نتیجه‌اش شرط‌بندی می‌کنند. بالاخره مواجهه و رویارویی به همراه مشکلات تشریفات اداری حادث شد و به نظر می‌رسید راه حلی در مقابل نیست، اما امیروف همیشه آنچه را که شروع کرده به پایان می‌برد.

در حدود یک سال پیش، امیروف برنامه ضربتی که ایجاد مجموعه ورزشی در حاشیه بازار را پیش‌بینی کرده بود مطرح کرد. این فضا برای چنین مجتمعی مناسب است چرا که دارای مساحتی بزرگ و نزدیک به مرکز مخاچ قلعه بود. روشن نیست که این طرح با توجه به بودجه داغستان متناسب باشد اما ممکن است که کمک مختصری از طرف مسکو اعطا شود. در هر حالت، مجموعه ساختمانی برای ورزش‌های گوناگون رؤیاهای پرشور بسیاری از ساکنان مخاچ قلعه را منعکس می‌کند، کسانی که عاشق ورزش‌های گوناگون بوده و به ویژه به موفقیت تیم فوتبال شهرشان افتخار می‌کنند.

تاریخی برای تخلیه بازار معین شده بود. امیروف کمک واحدهای ویژه میلیشیا از روستو - نادونو<sup>۱</sup> را تضمین کرد و برای پایان کارهای تجاری دستور داد. کارکنان بازار ترجیح دادند که مقاومت نمایند. آنها افراد جوان را به کار گرفتند کسانی که به اسلحه گرم، سنگ و کابل‌های فلزی

1. Rostov - na - Donu

مسلح بودند. وقتی کسبه زن به منازعه نهایی در ۳۱ ژوئای ۲۰۰۱ پیوستند بسیاری از مردم داغستان که دیدگاههای سنتی راجع به غیرت و شرف مرد و غیرمعارف بودن شرکت زنان در مشاجرات داشتند آن را یک رسوایی نامیدند؛ اما میلشیا جمعیت را با گاز اشک آور متفرق نمود و بازار از میان برداشته شد. سه نفر کشته، تقریباً ۱۰۰ نفر زخمی و بیش از ۷۰ نفر (شامل ۳۵ نفر زن) دستگیر شدند.

قضات و نظر غربی‌ها و روس‌ها از حادثه بالا آن را به عنوان تصویری از فساد دولتی و موانع حکومت یا به عنوان یک منازعه نژادی بین بازرگانان آواری و یک شهردار دارگین نشان داد. در حالی که دورنمای آینده تا حدودی مورد قبول است شرایط فعلی پیچیدگی بسیار را نشان می‌دهد. بسیاری از اهالی مخاچ‌قلعه از تلاشهای امیروف برای آراستن شهر حمایت می‌کنند و بهبود اولیه اقتصاد مخاچ‌قلعه را به مدیران اجرایی نسبت می‌دهند. قدرت امیروف در حال افزایش می‌باشد.

امید بخشی مراکز شهری کم بوده و فقر در حواشی شهر در کمین می‌باشد. بسیاری از مردم در سطح حداقل برای بقا زیست می‌نمایند و بعضی که پیشرفتهایی مادی داشته‌اند از امنیت اولیه برخوردار نمی‌باشند. در حالی که اثر اقتصاد سایه جهت اندازه‌گیری و قیاس به واقع مشکل می‌باشد مرور آمارهای اقتصاد رسمی نشان می‌دهد رشد اقتصادی در قبال زمینه یک بیکاری شدید رخ داده است.

گسترش بیکاری، بخشی ناشی از کاهش مداوم حقوق‌ها، مستمری‌ها و دیون معوقه بوده است. در غیراین صورت، سطح حقوق‌ها و دستمزدهای پرداخت نشده همچنان بالا باقی می‌بود. در رابطه با کاهش درآمد واقعی (با حقوق‌بگیری که از بیشترین کاهش رنج می‌برند) جمعیت داغستان با درآمدهایی زیر ۶۰ درصد درآمدهای سطح زندگی مردم روسیه برآورد شده است. قدرت خرید مردم کاهش یافته و توزیع کالا نیز نامتناسب می‌باشد. بخشی به جهت افزایش تولید داخلی، واردات نزدیک به ۲۵ درصد کاهش پیدا نموده‌اند.

سازگاری شاخصهای اختلاف و واگرایی از طریق تشخیص و رده‌بندی توسعه شهری و

رکود روستایی تا حدی امکان پذیر است، همچنین، تبیین عدم تجانس های جدی اقتصادی داغستان با هزینه پایین زندگی و عرضه مواد غذایی فراوان از راه مذکور ممکن می باشد. پروژه های زیربنایی از نظر مالی یا از طرف مردم یا از طرف عوامل بخش خصوصی با منابع اساسی تأمین می گردند. در بُعدی کوچکتر، افزایش خدمات خرده فروشی و دسترسی به اقلام تجملی در همان مسیر انجام می پذیرد و غذا و دیگر ضروریات ارزان و فراوان هستند.

### چشم انداز حمل و نقل نفت و گاز

بازسازی خط لوله نفت باکو به بندر روسی نوروسیسک که از داخل داغستان به چین منشعب می گردد انجام شده است. بر طبق گفته سرگئی گریگورف<sup>۱</sup>، قائم مقام رئیس ترانس نفت<sup>۲</sup> توسعه شامل یک اتصال ۱۷ کیلومتری به بندر مخاچ قلعه تعیین شده و «در جهت ارتباط با غیر قابل اطمینان بودن تحویل محموله ها از آذربایجان به جهت تهیه فرصتهایی برای حمل و نقل نفت قزاقستان و ترکمنستان که از دریا تحویل می گردد» است.<sup>(۱)</sup>

این امر حاکی از آن است که تلاشی مداوم در بخشی از دولت روسیه برای تبدیل مخاچ قلعه به یک اسکله مهم نفتی شمالی دریای خزر صورت می گیرد. مسئولان در سازمان نفتی ترانس نفت روسیه قویاً بر نقل و انتقال نارسایی ها و کمبودهای اسکله های ترکمنستان و قزاقستان به امکانات مخاچ قلعه اصرار دارند.

به نظر می رسد که هدف مسکو از توسعه مخاچ قلعه به عنوان بندر نفتی ترجیح نسبت به شهری چون آستراخان می باشد. امروزه، دسترسی به زیربنای صنعتی در شمال دریای خزر به دو طریق (کانال ولگا دن<sup>۳</sup> و مسیرهای زمینی) امکان پذیر است. هر دو طریق به وضعیت رود ولگا بستگی دارد. روسیه به وضوح قصد دارد که شهرهای ولگا (مانند ولگا گراد، ساراتوف و آستراخان) را به مراکز اصلی برای امور حمل و نقل انرژی، پالایش انرژی، نقل و انتقالهای باربری دریایی،

1. Sergey Grigorev

2. Transneft

3. Volga Don

توسعه اقتصادی مکمل مربوط به استخراج از ذخایر دریای خزر تبدیل نماید.

در مقایسه با آستراخان، مخاچ قلعه زمینه‌های جغرافیایی مناسب را برای محصولات ترکمنستان فراهم می‌سازد؛ اما دیدن تانکرهایی از قزاقستان که به سمت لنگرگاه‌های مخاچ قلعه در حرکت هستند بسیار تعجب‌انگیزتر است. حداقل سه دلیل مرتبط با یکدیگر برای منافع مسکو وجود دارد که مسکو ترجیح می‌دهد حمل و نقل مواد هیدروکربن از مخاچ قلعه افزایش یابد.

اول، مسکو قصد حمایت از اقتصاد داغستان را دارد و لذا جهت ثبات سیاسی جمهوری مساعدت می‌نماید. واضح است که موضوع مذکور بخشی از استراتژی مسکو محسوب می‌گردد از زمانی که کمک مالی و بودجه‌ای مسکو به مخاچ قلعه طی دو سال گذشته ۶ برابر افزایش پیدا نموده است. مسکو به درستی به این نتیجه رسیده که توسعه اقتصادی کلید آینده سیاسی داغستان می‌باشد.

دوم، ثبات سیاسی داغستان به ویژه برای مسکو مهم است چرا که مسکو می‌پندارد داغستان کلید حضورش در شمال قفقاز است.

سوم، تقویت این حضور به‌ویژه برای مسکو اهمیت دارد؛ بدان جهت که از نظر تاریخی ساحل غربی دریای خزر مسیر شمال - جنوب ارتباط در منطقه محسوب می‌گردد. اگر مسکو حضور خود را در منطقه دریای خزر - قفقاز تداوم بخشد باید در داغستان حضوری قوی و مؤثر نیز داشته باشد. اگر داغستان، بدون اهمیت اقتصادی واقعی برای فدراسیون روسیه و بدون نقشی پیشین در استراتژی روسیه برای منطقه، صرفاً یک تابع گردد بنابراین روسیه ارتباط تاریخی خود را نسبت به جنوب قفقاز از دست داده است.

اگر چنین ملاحظاتی پایه‌های استراتژی مسکو در قفقاز باشند آن استراتژی در اصطلاحات چالش واحد که از طریق توسعه هیدروکربن دریای خزر مطرح می‌گردند قابل درک است. بین حوزه‌های هیدروکربن به‌طور منحصر به فرد دریای خزر از چهار طرف مسدود است. برخلاف دیگر حوزه‌های مهم نفتی چون خلیج مکزیکو، فلات قاره نیجریه و فلات قاره برزیل

دسترسی آسان به منابع بین‌المللی صنعت هیدروکربن امکان‌پذیر نیست. آنها عبارتند از: ناوگان دریایی حفاری، ناوگان اسکله‌سازی و تسهیلات کارخانه‌سازی که توسعه منابع انرژی دریای خزر را فراهم می‌سازد.

شرکتهای بین‌المللی نگران توسعه زیربنایی مناطق گوناگون دریای خزر در مقیاسی بزرگ نیازمند استخراج ذخایر کشف شده در مناطق دور هستند.

با وصف این شرایط، بهتر است فراموش شود که این امکان بهترین سناریو است. دیگر سناریوها شامل اشکال گوناگون بی‌ثباتی سیاسی در دولتهای شکننده وضعیت محیط دریای خزر می‌باشند. این بی‌ثباتی حاصل گذارهای سیاسی و اقتصادی که منطقه طی دهه گذشته گذرانده است می‌باشد. تنها امید برای پرهیز از بی‌ثباتی بزرگتر به توسعه اقتصادی واقعی در سطح محلی وابسته است.

از سواحل غربی دریای خزر، تنها یک راه برای حمل و نقل مواد هیدروکربن به غرب وجود دارد: مسیرهایی که از آذربایجان و مسیرهایی که از روسیه می‌گذرند؛ اما همگی مسیرها از قفقاز می‌گذرند. بسیار برای غرب مشکل‌تر است که چیزی را به داخل یا خارج حوزه دریای خزر بیاورد چنانچه مشکلات سیاسی در قفقاز مطرح باشند و مشکلات سیاسی در قفقاز خواهند بود تا هنگامی که استخراج هیدروکربن در توسعه اقتصادی محلی مؤثر بوده باشد.

سرمایه‌گذاری مسکو در داغستان بدان معنی است که توسعه منطقه به ثبات سیاسی (حداقل در نواحی مهم چون مخاچ‌قلعه) بستگی دارد. مخاچ‌قلعه یک ناحیه مهم است. چون درست در غرب ترکمنستان قرار دارد و بسیار مهمتر این که در شمال باکو واقع می‌باشد. رفتن به مخاچ‌قلعه از باکو بسیار آسانتر از دیگر نقاط هست. بر طبق نظر و توصیف «گریگور» از مخاچ‌قلعه، توسعه تسهیلات در داغستان به مثابه دری باز برای محصولات حوزه دریای خزر محسوب می‌گردد و در همان حال دری باز به باکو دارد. مخاچ‌قلعه به دو دلیل دری باز به باکو دارد: الف) چون پذیرای محموله‌ها از جنوب است؛ ب) چون زمینه نفوذ روسیه به جنوب را اجازه می‌دهد.

رجحان و برتری دادن بین نفوذ منطقه‌ای و مسیرهای انرژی امکان ندارد. نفوذ منطقه‌ای در ظرفیت و توان کنترل و گسترش این مسیرها تبیین می‌گردد و متقابلاً این مسیرها نفوذ منطقه‌ای دولت‌ها و شرکت‌های ذینفع را تعیین می‌کنند.

رقابت برای نفوذ منطقه‌ای نیز ثبات سیاسی داخلی را تهدید می‌نماید. در حال حاضر، قدرتهای جهانی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در یک رقابت فزاینده درگیرند؛ چنانچه شاید توسعه در موضوع دریای خزر یک بازی حاصل جمع صفر به‌شمار آید. بعضی قدرتها در پی ایجاد پیمانهای نظامی با دولت‌های منطقه می‌باشند که از آن طریق کمک‌های نظامی ارائه نموده و در تمرین‌های نظامی با سربازان محلی مشارکت می‌نمایند. در ایالات متحده، یک نظریه مقایسه‌ای تأکید می‌کند که تولیدات نفتی به مثابه یک موضوع امنیت ملی تلقی گردد. این رهیافت به بی‌ثباتی سیاسی داخلی، کاهش امنیت منطقه‌ای، بسط خطر برای سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه و لذا نقصان فرصت‌ها برای استخراج مفید و مؤثر از منابع دریای خزر می‌انجامد.

کنایه «بازی بزرگ» یک جذابیت آشکار در مراکز اقتصادی و سیاسی که دور از منطقه هستند دارد. متأسفانه، کنایه «بازی بزرگ» یک اشتباه تاریخی همراه‌کننده و حتی فریب‌دهنده و خطرناک شده است. «بازی بزرگ» خطرناک است چون برای درک صحیح از رقابت ژئوپلیتیک در منطقه مناسب و مقتضی می‌باشد؛ این نظریه فعالان سیاسی را به فراموش کردن سه مورد دعوت می‌کند: اول، بخش بزرگی از منطقه فقط چند قدم از اشتعال به دور است و رقابت بین‌المللی شدید مطمئناً ایجاد جرقه می‌نماید. اشتعال‌های بیشتر به هرکس در منطقه زیان می‌رساند. دوم، بزودی افراد محلی به عنوان پیاده‌های شطرنج در بازی تهدید می‌گردند. سوم، تفکیک موضوع استخراج منابع انرژی از توسعه اقتصادی محلی و ثبات سیاسی امکان ندارد.

یک استراتژی عاقلانه‌تر بر رقابت ژئوپلیتیک آشکار تأکید نمی‌کند بلکه بر حفظ ثبات داخلی که در نتیجه باعث توجه بیشتر به فرهنگ‌های محلی، مشکلات داخلی، سیاست داخلی و ارتقای همکاری بین‌المللی در جهت توسعه اقتصادی وسیع و تحکیم ثبات در منطقه می‌شود اصرار می‌ورزد. رهیافت مسکو در مورد داغستان نشان از گام برداشتن در این مسیر می‌باشد؛ این

حمایت ارزشمند حسادت دیگر طرفهای ذینفع را برمی‌انگیزد.

به واسطه عواقب پس از جنگ، ثبات داغستان با چالشهای قدیمی چون بنیادگرایی قدرتمند اسلامی، چالشهای جدید قطع فشارهای تمرکزگرایی روسی و تلاشهایی به منظور توسعه سیاسی محلی روبرو می‌باشد. از هنگامی که نهادهای سیاسی داغستان در جهت ثبات سیاسی جمهوری بیشتر مشارکت نموده‌اند رفتار مسکو در مورد شباهت نهادینه دلالت بر خطرهای واقعی و شاید ناشناخته دارد. این فشارها در زمانی که جمع نخبگان سیاسی داغستان محدود می‌گردند عملی می‌شود و از طرف دیگر، رقابت شدید برای عالی‌ترین مقام جمهوری شروع می‌گردد. نتایج بلندمدت این روندها اثر مستقیم بر توسعه اقتصادی داغستان دارد. رشد تدریجی اقتصاد به تأمین ثبات کمک می‌کند. افزایش‌های کلان در اعانات اقتصادی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهند که کرملین نسبت به موضوع حساس است.

توسعه تسهیلات هیدروکربوری در بندر مخاچ‌قلعه در دریای خزر، تکمیل مسیر ارتباطی آن بندر به خط لوله نوروسیسک و منافع ترانس نفت در بهره‌برداری از آن تسهیلات نشان می‌دهند که نه تنها مسکو به موقعیت استراتژیک داغستان برای حمل و نقل انرژی و توسعه حساس است بلکه به حمل و نقل و توسعه منابع هیدروکربوری دریای خزر به عنوان یک حلقه اساسی مرتبط با توسعه اقتصادی محلی می‌نگرد.

در حالی که نشانه‌هایی از حیات اقتصادی مشاهده می‌گردد و نیز ظرفیت واقعی برای توسعه وجود دارد موانعی چون جنایات محلی و بی‌ثباتی منطقه‌ای همچنان دخیل بوده و تأثیرگذارند.

در تحلیل نهایی، داغستان یک جامعه به واقع با ثبات را تجربه نموده است، احتمالاً ثبات داغستان بحرانهای محلی، زودگذر و کوتاه را از سر خواهد گذراند. با وجود آن که این بحرانها ممکن است برای حمل و نقل انرژی مشکلات متناوب فراهم نماید ولی تسهیلات هیدروکربوری داغستان کانون توجه ترانس نفت بوده و دارای اهمیت بیشتری خواهد شد.

## یادداشت‌ها

۱. پس از این که این مقاله آماده شد نظام انتخاباتی داغستان از طریق قانونی شدن مجلس نمایندگان مردم داغستان موافق با قانون اساسی فدراسیون روسی اصلاح شد. نظام انتخاباتی بدان گونه جایجا شده است که در وضعیت جدید یک نظام انتخاباتی نژادی مقرر می‌دارد بخشهای انتخاباتی با چند نماینده باشند. مشکل است که اثر نظام جدید بر سیاست داغستان پیش‌بینی گردد یا در واقع نظامی قابل اعمال و کارا توصیف شود.

۲. *Dagestanskaya Pravda*, ۲۱ مارس ۲۰۰۰.

۳. در مه ۲۰۰۲، یک مین که از راه دور کنترل می‌شد در رژه روز پیروزی در شهر ساحلی کاسپسک<sup>۱</sup> منفجر شد. نیمی از ۴۳ نفر افراد صدمه دیده کودک بودند. مسئولان امور افراطی‌های وهابی مرتبط با مبارزان چچن را نکوهش کردند. مبارزان چچن هرگونه رابطه با انفجار مذکور را انکار کردند. در سال ۲۰۰۰ یک بمب قوی در مخاچ‌قلعه درست پیش از مراسم روز پیروزی کشف شد. چنانچه آن بمب منفجر شده بود بسیاری از مسئولان منتخب داغستان کشته می‌شدند؛ کسانی که در فهرست بودند یا جاهای خود را نزدیک محل جایگاه اشغال می‌کردند. در ۱۹۹۶، یک انفجار بنخن عمده یک ساختمان در کاسپسک را ویران نمود که محل سکونت شماری از کارمندان رسمی و محافظان مرزی بود.

۴. در ژوئن ۲۰۰۲، ماگومدالی ماگومدوف از طرف اکثریت مطلق رأی‌دهندگان در مجلس مؤسسان داغستان برای دوره‌ای دیگر به عنوان رئیس شورای دولتی انتخاب شد.

۵. در اوت ۲۰۰۲، سرپرست آلمانی گروه پزشکان بدون مرز مستقر در داغستان در مخاچ‌قلعه ربوده شد. به‌واسطه انفجار در کاسپسک، این آدم‌دزدی برجسته احتمالاً سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را مانع می‌گردد.